

عوامل پیش‌بینی کننده رجعت به بی‌سوادی در سواد آموختگان دوره سوادآموزی

رسول کرد نوقابی^۱

شهریار مرادی^۲

آرزو دلفان بیرانوند^۳

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی عوامل پیش‌بینی کننده رجعت به بی‌سوادی در سواد آموختگان دوره سوادآموزی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه سواد آموختگان در سطح کشور بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، نمونه‌ای با تعداد ۴۸۶ نفر (سواد آموخته) انتخاب‌شده و مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس پیشرفت تحصیلی محقق ساخته، پرسشنامه محقق ساخته ویژه‌ی نوسوادان، مقیاس انگیزش پیشرفت هرمنس (HAMQ) و مقیاس اعتماد به نفس روزنبرگ بودند. به منظور تحلیل داده‌ها از تحلیل رگرسیون سود برده شد. نتایج نشان داد متغیرهای موافقت خانواده با سوادآموزی، کیفیت برنامه‌های آموزش شی، وجود افراد با سواد در خانواده، درآمد ماهیانه خانواده و انگیزش پیشرفت به صورت منفی؛ و تعداد فرزندان، مسئولیت خانه‌داری و باروری زنان به صورت مثبت عوامل اصلی پیش‌بینی کننده‌ی رجعت به بی‌سوادی در سواد آموختگان دوره سوادآموزی و معادل آن بوده‌اند (مجذور آر تنظیم‌شده = ۰/۲۶۷، $P < ۰/۰۰۱$ ، $F = ۱۵/۵۶۷$). نتایج پژوهش بیانگر آن است که عوامل اجتماعی اقتصادی فرهنگی، بیشترین نقش را در میزان رجعت به بی‌سوادی نوسوادان داشته و عوامل مرتبط با کیفیت برنامه‌های آموزشی و انگیزش پیشرفت، پیش‌بینی کننده‌های بعدی رجعت به بی‌سوادی بوده‌اند.

واژگان کلیدی: رجعت به بی‌سوادی، سوادآموزی، نوسواد، عوامل اجتماعی اقتصادی و فرهنگی، انگیزش پیشرفت، اعتماد به نفس.

مقدمه

تعلیم و تربیت در هر جامعه‌ای بی‌شک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌طور کلی این آموزش و پرورش است که در مقابله با آفات جهل، بی‌سوادی، اسارت فکری یا بیماری وابستگی فرهنگی به انسان مصونیت می‌دهد (گلاور و برونینگ، ۱۹۹۰). براین اساس یکی از معضلات بشری در دنیای امروز در تمامی کشورها مخصوصاً کشورهای جهان سوم مسئله بی‌سوادی است که نقش آموزش و پرورش و نهضت سوادآموزی در مبارزه با بی‌سوادی را آشکار می‌سازد. به‌طوری که گزارش‌های

۱- دانشجویار گروه روانشناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا و نویسنده مسوول (Email: rkordnoghi@gmail.com).

۲- دکتری روانشناسی تربیتی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا

۳- کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا

هازن و تروفیل^۱ (۱۹۹۰) نشان می‌دهد که گروه وسیعی از جمعیت جهان به دلیل عدم دانش و آگاهی و سطح آموزش پایین، توانایی‌های لازم جهت زندگی در قرن ۲۱ را ندارند. /ز/نیرو یکی از مسایلی که جامعه امروزی با آن روبه‌رو است مسأله رجعت به بیسوادی است که به نحوی در مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی اثر منفی دارد. رجعت به بیسوادی پدیده‌ای است که در آن فرد نوسواد دانش مقدماتی خواندن و نوشتن را حاصل کرده است، ولی به علت عدم تحکیم و تثبیت سواد به شرایط پیش از فراگیری سواد (بی‌سواد) رجعت می‌کند. به عبارتی بازگشت به بیسوادی یعنی از دست دادن توانایی خواندن و نوشتن (تاج‌آبادی، ۱۳۸۶). خطر رجعت به بی‌سواد، علاوه بر از دست رفتن امکانات مالی و نیروی انسانی، موجب ایجاد و گسترش دیدگاهی منفی پیرامون اهمیت سواد و سوادآموزی در جامعه شده و بهانه‌ای می‌شود برای بی‌سوادانی که به این فعالیت و نتایج آن اعتقادی ندارند و هنگام بحث بر سر لزوم سوادآموزی منکر مزایای سواد در زندگی می‌شوند و از طرفی در برخی جوامع، ارزش سواد و آموزش ناشناخته مانده و کوشش برای سوادآموزی و آموزش بزرگسالان - به‌ویژه در دوران میان‌سالی و کهن‌سالی - کوششی عبث جلوه می‌کند. از همین رو، بازگشت به بی‌سواد می‌تواند موجب تقویت و تعمیم چنین برداشت غلطی شود (فتاحی، ۱۳۷۱). پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی عوامل مؤثر بر رجعت به بی‌سواد، نقش عواملی از قبیل نیازها، انگیزه‌ها، سن، و سایر ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی آنها را بیان می‌کنند (بورگس^۲، ۱۹۸۴؛ اصلانیان و بریکل^۳، ۱۹۸۶؛ عابدی، ۱۳۷۰؛ میرحسینی و دوستدار، ۱۳۷۷؛ رجایی پور و اکبری عمروآبادی، ۱۳۸۶). برخی منابع انسانی را به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائلی که همواره باید در یک نظام آموزشی مورد بررسی قرار گیرد مورد توجه قرار داده‌اند و ویژگی‌ها، توانایی‌ها، انگیزش و سایر عوامل مرتبط به منابع انسانی (آموزشیاران، معلمان، راهنمایان تعلیماتی، مدیران) را که با سوادآموزی و رجعت به بی‌سواد ارتباط دارند نیز بررسی کرده‌اند (رفعتی‌نیا و قرایی‌مقدم، ۱۳۷۶؛ معتمدی، ۱۳۸۳؛ رضاخانی و ابراهیمیان کیشری، ۱۳۸۷).

از سوی دیگر، برخی پژوهشگران مسائل درون سازمانی و آموزشی از جمله مدیریت و برنامه‌ریزی، کیفیت و محتوای برنامه‌های آموزشی، روش‌های تدریس، امکانات آموزشی، عدم توجه و اهتمام کافی نسبت به برنامه‌های تحکیم و تثبیت سواد را مورد توجه قرار داده‌اند (فورلیزی^۴، ۱۹۹۰؛ محمدقلی‌نیا، ۱۳۸۳؛ منصورکیایی و سرمد، ۱۳۸۴). از نظر مک‌گیونی^۵ (۱۹۹۰) عدم تناسب برنامه و دوره‌های آموزشی با نیازهای واقعی آنها؛ عدم اعتماد به نفس و نگرش منفی نسبت به آموزش و پرورش و ترس از موفق نشدن سبب عدم شرکت افراد در دوره‌های آموزشی می‌شود. لاسوی^۶ (۱۹۹۲) دلایل اصلی برای شرکت نوسوادان بزرگسال در نواحی روستایی تانزانیا را رسیدن به دانش کشاورزی دانسته که شغلی اصلی نوسوادان محسوب می‌شد. آنها هم‌چنین بهبود موقعیت اجتماعی، ارتقاء سطح در آمد و آشنایی با مسائل بهداشتی را مطرح کردند. می‌ریز^۷ (۱۹۹۶) تحقیقی در باره برنامه‌های آموزش غیررسمی بزرگسالان در نپال انجام داد و نتیجه گرفت که مصاحبه‌شوندگان قویاً متون مرتبط با کارهای تولیدی را به مواد خواندنی پیشرفته ترجیح می‌دادند. رضایی و ایزدی (۲۰۱۲) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که تعداد قابل توجهی از سوادآموختگان، رجعت به بی‌سواد داشته‌اند و توانایی خواندن و نوشتن در آنها به‌طور قابل توجهی کم شده. نتایج پژوهش عوامل اجتماعی را به عنوان مهم‌ترین علت

^۱ Hazen and Trefil

^۲ Burgess

^۳ Aslanian and Brickell

^۴ Forlizzi.

^۵ McGivney

^۶ Lasway

^۷ Meyers

عوامل پیش‌بینی کننده رجعت به بی‌سوادی در سوادآموختگان دوره سوادآموزی

بوجود آمدن این مسئله دانسته است. همچنین نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که آگاهی از شرایط اجتماع اهمیت والایی در عملکرد سوادآموزی دارد. علاوه بر شرایط اجتماعی، سن و جنسیت سوادآموختگان، سطح توسعه استان و غیره نیز از دیگر فاکتورهای مهم بازگشت به بی‌سوادی است. نتایج پژوهش کریمی و مطوف (۱۳۷۸) داد که عوامل فردی بر بازماندگی از تحصیل تأثیر بسیار کمی داشته است، به عبارت دیگر خود بازماندگان از تحصیل نقش چندانی در تحصیل نکردنشان نداشته‌اند. بلکه عموماً مشکل به متغیرهای خانوادگی و ساختی مربوط می‌شود. تأثیر متغیرهای خانوادگی بر بازماندگی از تحصیل پرننگتر است، بطوریکه بازماندگی از تحصیل با میانگین سواد اعضاء خانواده، نگرش والدین به جنس فرزندان، شغل پدر رابطه‌ی معنی داری داشته است. نتایج پژوهش امینی خوئی (۱۳۸۳) نشان داد که تشویق و قدردانی از سوادآموزان و ایجاد احساس امیدواری در آنها به وسیله اعضاء خانواده از بهترین روش‌های مؤثر در ایجاد انگیزه مطالعه پس از کلاس در آنها بوده است.

امانی (۱۳۷۸) باروری زنان و شمار فرزندان و نگهداری آنان را از موانع عملی و روزمره باسواد شدن زنان دانسته است. مهنایی و رفیعی (۱۳۷۸) عواملی از قبیل عدم مطابقت کتب با نیازهای سوادآموزان و برخورد نامناسب را از مهمترین عوامل ترک تحصیل سوادآموزان دانسته‌اند. در پژوهشی دیگر نامناسب بودن زمان برگزاری کلاسها، تعداد روزهای زیاد تشکیل کلاسها، مشغله کاری، خانه‌داری و مراقبت از فرزندان از مهم‌ترین دلایل عدم شرکت در کلاسها ارزیابی شده است (ثاتی، و تیموری، ۱۳۷۸).

نتایج پژوهشی در استان ایلام نشان داد که بین عوامل فردی، خانوادگی و سازمانی بی‌سوادان و کم‌رغبتی آنان به شرکت در کلاس‌های سوادآموزی رابطه وجود دارد (موسسه جمال هدایت، ۱۳۸۴). بر اساس نتایج پژوهش رخشان و کروی (۱۳۸۳) گروه ناپیگیری علت عدم ادامه تحصیل خود را کمبود وقت و مخالفت اعضاء خانواده می‌دانند. نتایج تحقیق نادری و کریمی (۱۳۸۳) نشان داده خستگی ناشی از کار روزانه، مشکلات اقتصادی و کمبود در آمد، اجرا نشدن طرح در محل زندگی سوادآموزان به ترتیب بیشترین تأثیر را بر عدم مشارکت سوادآموزان در طرح تداوم آموزش داشته‌اند. عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز در زمره‌ی موانع عملی و روزمره با سواد شدن و مؤثر در رجعت به بی‌سوادی شناخته شده‌اند. از جمله فقر مالی، باروری زنان، تعدد فرزندان و نگهداری آنان، متأهل بودن، عدم رضایت ولی یا همسر، شاغل بودن، مشکلات خانوادگی سوادآموزان، کوچ و مهاجرت، ازدواج دختران در حین تحصیل، خانه‌داری، نگرش جامعه نسبت به سواد و سوادآموزی، بی‌سواد بودن سایر اعضاء خانواده، محل سکونت و توزیع جغرافیایی (پناهی و انوری، ۱۳۸۵؛ امانی، ۱۳۷۸؛ مهنایی و رفیعی، ۱۳۷۸؛ کارگر و سید مصطفایی، ۱۳۸۴؛ صاحب زاده و اختیاری صادق، ۱۳۸۴). در پژوهشی که رامیرزد (۱۹۹۵) در رابطه با رجعت به بی‌سوادی در اسپانیا انجام داد، به این نتیجه رسید که آموزش خود هزینه‌های زیادی دارد حال اگر آموزش مؤثر و سازمان یافته نباشد و نیاز به آموزش مجدد باشد، جامعه باید مجدداً هزینه‌های آموزش زیادی را متقبل شود. کوی لچ (۲۰۰۰) در پژوهشی که روی گروهی از بزرگسالان در استرالیا انجام داد، به این نتیجه رسید که ۵۷ درصد از سواد آموختگان بازگشت به بی‌سوادی داشته‌اند. این مسئله نشان دهنده مشکلاتی در زمینه آموزش بزرگسالان است که عوامل متعددی می‌تواند مسبب این مشکل باشد. هان دونگ پینگ (۲۰۰۰) در پژوهشی که در چین انجام داد، به این نتیجه رسید که ایجاد تغییرات مثبت اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، فرهنگی بخصوص در روستاها باعث افزایش یادگیری و ماندگاری آن در افراد بزرگسال می‌باشد و نداشتن سیاست آموزش منجر به بازگشت افراد به بی‌سوادی و نیاز به آموزش مجدد می‌باشد. در پژوهشی که گیروول (۲۰۰۱) انجام داده نتیجه گرفت، بین بی‌سوادی تا باسوادی سطوح متفاوتی از توانایی‌ها وجود دارد. که آنها را متمایز می‌کند. تحقیقات اخیر نشان داده که مسئله بی‌سوادی

محدود به جهان سوم نیست، اما فراوانی آن در کشورهای در حال توسعه بیشتر است. روش زندگی و محیط‌های اجتماعی، فرهنگی، شغلی مردم در این جوامع، نیاز افراد را به یادگیری مهارت سواد کم می‌کند. سواد در بین طبقات اجتماعی، بی‌سوادی در طبقه پایین جامعه بیشتر است، برای ریشه کنی بی‌سوادی باید موانع مهمی که بر سر راه آموزش بزرگسالان است، برداشته شود. نتایج پژوهش عسگری و قنبری (۱۳۸۴) نشان داد که نگرش افراد نسبت به سوادآموزی، اعتماد به نفس افراد برای یادگیری، محل تشکیل کلاس (دوری و نزدیکی به محل سکونت)، موافقت یا مخالفت خانواده، وضعیت اقتصادی، انجام تبلیغات صحیح و به موقع، وضعیت تاهل، سن و وضعیت اشتغال افراد در جذب آنان به کلاس‌های سوادآموزی مؤثر است. یافته‌های پژوهش نجاتی و ابراهیمیان هادی کیاشری (۱۳۸۴) نشان داد که انگیزه‌های فردی، تبلیغات، انگیزه‌های خانوادگی، آموزشیاران، مدیریت محلی و محتوای کتاب‌های آموزشی مطلوب بر جذب سوادآموزان مؤثر هستند. صاحبی کوزه کنان و فتاحی اصل (۱۳۸۴) عوامل فرهنگی و شخصی سوادآموزان را به عنوان عوامل مؤثر در ضعف درسی ریاضیات نوسوادان دانسته‌اند. نتایج پژوهشی که به منظور بررسی وضعیت سوادآموزی و علل و عوامل بی‌سوادی در استان بوشهر انجام گرفته حاکی از این است که بین محل سکونت، طبقه اجتماعی، سن، جنسیت، تاهل، تعداد اعضای خانواده، شغل، علل محرومیت، سواد والدین و فوت پدر و مادر با وضعیت سواد رابطه مثبت وجود دارد (قلی پور و زارع، ۱۳۸۴). براساس یافته‌های پژوهشی که به منظور بررسی و شناسایی علل افت تحصیلی سوادآموزان از دیدگاه کارکنان نهضت سوادآموزی استان اردبیل صورت گرفته است، وضعیت اقتصادی، سواد اعضای خانواده، کاربرد وسایل و مواد کمک آموزشی، روش تدریس آموزشیاران، جنسیت (افت تحصیلی مردان بیشتر از زنان است) و عدم شرکت سوادآموزان در طرح‌های یادگیری محلی از جمله عوامل مؤثر بر افت تحصیلی سوادآموزان بوده‌اند (پناهی و انوری، ۱۳۸۵).

با توجه به این که هدف نهایی آموزش بزرگسالان باید حرکت به سوی جامعه‌ای باشد که در آن کلیه افراد در تمام طول عمر در حال یادگیری باشند و از آن برای زندگی بهتر و سعادت‌مندتر استفاده کنند (جهان پناه، ۱۳۷۴) همانطور که مائوسه تونک رهبر چین، برنامه سوادآموزی را یکی از مهم‌ترین عوامل بازسازی ملی و تحول فرهنگی اعلام می‌کند و از سوی دیگر بسیاری از بزرگسالان پس از مدت کوتاهی شرکت در دوره‌های سوادآموزی، کلاس‌ها را ترک کرده و به سرعت آموخته‌های خود را فراموش می‌کنند و به سمت رجعت به بی‌سوادی گرایش دارند و اینکه پدیده‌ی رجعت به بی‌سوادی تأثیرات منفی بر شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و به ویژه نظام آموزش و پرورش جامعه دارد. لذا، با توجه به زمینه‌ی نظری و پیشینه‌ی پژوهشی ذکر شده، و با توجه به اینکه رجعت به بیسوادی موضوع پیچیده‌ای است و تحت تأثیر عوامل غیر متجانس گوناگون می‌باشد، این پژوهش علل احتمالی رجعت به بی‌سوادی را از چهار بعد مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد داد تا میزان نقش احتمالی هر یک از ابعاد مورد نظر را تبیین نماید: عوامل مرتبط با سواد آموز: ۱- انگیزش پیشرفت، اعتماد به نفس برای یادگیری، نگرش نسبت به سواد، سن و جنسیت سوادآموزان. ۲- عوامل مرتبط با آموزشیار: سطح تحصیلات، گذراندن دوره‌های کارآموزی، جنسیت، سن و هم‌زمانی با سوادآموزان. ۳- عوامل مرتبط با مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی: انطباق محتوای منابع و برنامه‌های آموزشی با نیازهای مطالعاتی سوادآموزان؛ روش‌های تدریس و ارزشیابی؛ کیفیت و میزان توجه نسبت به برنامه‌های تحکیم سواد. ۴- عوامل اجتماعی- اقتصادی- فرهنگی: سطح درآمد، وضعیت اشتغال، وضعیت تاهل، تعداد فرزندان، وجود فرد با سواد در خانواده، محل زندگی (شهر یا روستا)، قومیت، مسائل و محدودیت‌های خاص زنان، نگرش خانواده نسبت به سواد و سوادآموزی و کوچ و مهاجرت. بنابراین، مسأله‌ی اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه: علل اصلی رجعت به بی‌سوادی در سوادآموختگان دوره‌ی سوادآموزی و معادل آن در سطح کشور کدامند؟ میزان نقش احتمالی هر یک از عوامل فوق در پیش‌بینی رجعت به بیسوادی تا چه حد است؟

روش

روش پژوهش توصیفی^۱ و از نوع همبستگی است. جامعه آماری عبارت است از کلیه سوادآموختگان در سطح کشور که طی سال‌های ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۰ دوره‌های سوادآموزی یا معادل آن را گذرانده‌اند. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی^۲ و مورگان^۳ (۱۹۷۰)، با توجه به اینکه حجم جامعه در حدود دو میلیون نفر می‌باشد، ۵۰۰ نفر انتخاب گردید که پس از حذف داده‌های پرت نهایتاً ۴۸۶ نفر مورد تحلیل قرار گرفتند. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. استان‌های انتخاب شده عبارت بودند از خراسان رضوی، آذربایجان غربی، همدان، شهرستان‌های استان تهران و کرمانشاه.

ابزارهای پژوهش

مقیاس پیشرفت تحصیلی محقق ساخته: بر اساس محتوای دروس دوره سوادآموزی و با استفاده از جدول مشخصات ساخته شده و هدف آن ارزشیابی و سنجش سطح سواد سوادآموختگان در زمینه مهارت خواندن و نوشتن و فهم و درک متون ساده فارسی و نیز انجام محاسبات ریاضی در حد چهار عمل اصلی می‌باشد. با توجه به استفاده از جدول مشخصات روایی محتوایی آزمون تأمین گردیده و پایایی آن نیز با روش دونیمه کردن آزمون در یک مطالعه مقدماتی تعیین گردید. پرسشنامه محقق ساخته ویژه نوسوادان: بخش اول این پرسشنامه متغیرهای جمعیت‌شناختی مرتبط با نوسوادان شامل سن، جنسیت، محل زندگی (شهر یا روستا)، وضعیت سواد، شغل، تأهل، تعداد فرزندان، وجود افراد با سواد در خانواده، قومیت، کوچ و مهاجرت و سطح درآمد خانواده را در بر گرفته است. بخش دوم به بررسی نگرش نوسوادان و خانواده‌های ایشان نسبت به سواد، مسائل و محدودیت‌های خاص زنان نوسواد از قبیل مؤلفه‌های باروری، نگهداری فرزندان، عدم موافقت شوهر یا ولی، مسئولیت خانه‌داری و سایر محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی آنان پرداخته و بخش سوم نیازهای مطالعاتی نوسوادان را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. روایی محتوایی پرسش‌نامه با نظرخواهی از اساتید دانشگاه و کارشناسان سوادآموزی و پایایی آن پس از اجرای مقدماتی با روش آلفای کرونباخ تأیید گردید ($\alpha = 0/58$).

مقیاس انگیزش پیشرفت هرمنس (HAMQ):^۴ برای سنجش انگیزش پیشرفت نوسوادان از این مقیاس استفاده شد. برای محاسبه‌ی روایی آزمون، هرمنس از بررسی روایی محتوا که اساس آن را پژوهش‌های قبلی در باره‌ی انگیزش پیشرفت تشکیل می‌داد، استفاده کرد. هم‌چنین او ضریب همبستگی هر سؤال را با رفتار پیشرفت‌گرا محاسبه کرده است که ضرایب روایی سؤالات از دامنه‌ی ۰/۳۰ تا ۰/۵۷ می‌باشد. اسودی در ۱۳۷۹، با استفاده از دو روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی، اعتبار آزمون را به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۲ محاسبه نمود. در پژوهش طالب‌پور اعتبار آزمون به روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید که برابر ۰/۷۴ است (به نقل از زمینی، احتشامی نسب و هاشمی، ۱۳۸۶). مقیاس اعتماد به

^۱ Descriptive Plan

^۲ Krejcie, R. V.

^۳ Morgan, D. W.

^۴ Herman's Achievement Motivation Questionnaire

نفس روزنبرگ: این مقیاس توسط روزنبرگ^۱ (۱۹۸۶) ساخته شد که دارای ده آیتم است و تاریخچه‌ای غنی برای تحقیقات دارد. روبرتز (۱۹۹۸) پایایی درونی برای این مقیاس را ۰/۸۱ گزارش نموده‌است. موسوی و همکاران (۱۳۸۵) ضریب همبستگی تنصیف (بین آزمون روزنبرگ و آیزنک) برابر با ۰/۸۱، ضریب بازآزمایی آن با فاصله‌ی دو هفته برابر با ۰/۹۲ و ضریب همبستگی همسانی درونی آن با محاسبه از طریق آلفای کرونباخ را ۰/۸۸ گزارش نموده‌اند.

یافته‌ها

فراوانی کل شرکت‌کنندگان در پژوهش ۴۸۶ نفر بودند (۶۳ نفر مرد و ۴۲۳ نفر). بیشترین میزان سن آزمودنی‌ها ۷۰ سال و کمترین میزان ۱۸ سال است. میانگین سنی گروه نمونه مردان (۴۳/۳۱) بیش از گروه نمونه زنان (۳۸/۳۱) است. تعداد شرکت‌کنندگان در هر یک از استان‌ها به ترتیب عبارتند از خراسان رضوی (۹۸) کرمانشاه (۱۰۰)، آذربایجان غربی (۹۶) نفر، شهرستان‌های استان تهران (۹۷) و همدان (۹۵) نفر. ۲۰۲ نفر از آزمودنی‌ها ساکن شهر (۴۱/۵ درصد) و ۲۸۴ نفر ساکن روستا (۵۸/۵ درصد) بوده‌اند. بیشترین فراوانی اشتغال مربوط به گروه زنان خانه‌دار و مشاغل خانگی (۳۵۱ نفر- ۷۲/۲ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به بیکار (۴ نفر- ۰/۸ درصد) بوده است. ۴۳۳ نفر متأهل (۸۹/۱ درصد)، ۴۹ نفر مجرد (۱۰/۱ درصد) بودند و در این میان ۴ نفر نیز پاسخ نداده‌اند. آزمودنی‌های دارای دو فرزند بیشترین فراوانی (۱۳۰ نفر- ۲۶/۷ درصد)، و یک فرزند کمترین فراوانی (۳۸ نفر- ۷/۸ درصد) را داشته‌اند. برای بررسی و تجزیه و تحلیل سؤال‌های پژوهش از تحلیل رگرسیون سود برده شد. به همین منظور با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، نرمال بودن توزیع داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت ($p > 0.05$). همچنین همگنی واریانس باقی مانده با استفاده از آزمون دوربین واتسون بررسی شد. در جدول (۱) شاخص‌های توصیفی نمونه مورد بررسی بر اساس میزان رجعت به بی‌سوادی آزمودنی‌ها به تفکیک دروس ارائه شده است. میزان پایداری سواد در حدود ۶۴/۱۲ درصد بوده است. بیشترین پایداری در خواندن و کمترین پایداری در ریاضی بوده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی گروه نمونه براساس درصد رجعت به بی‌سوادی

متغیر	شاخص	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	کمترین درصد	بیشترین درصد
خواندن	۳۳/۱۳	۲۱/۱۳	۱/۴۷	۱/۷۶	۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰
ریاضی	۴۱/۲۳	۲۰/۳۴	۰/۶۹	-۰/۱۸	۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰
نوشتن	۳۳/۲۸	۲۲/۷۲	۱/۷۷	۲/۲۹	۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰
جمع	۳۵/۸۸	۱۷/۹۲	۱/۳۶	۱/۷۷	۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰

در تحلیل استنباطی سؤال پژوهش به منظور بررسی عوامل اصلی در پیش‌بینی رجعت به بی‌سوادی از روش آماری تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. جدول (۲) خلاصه‌ی مدل رگرسیون گام‌به‌گام را ارائه می‌کند. مقدار آر تنظیم شده در گام هشتم نشان می‌دهد که مدل نهایی، ۰/۲۶۷ واریانس رجعت به بی‌سوادی آزمودنی‌ها را توجیه نموده است.

^۱ Rosenberg

عوامل پیش‌بینی کننده رجعت به بی‌سوادی در سوادآموزختگان دوره سوادآموزی

جدول ۲- خلاصه‌ی مدل رگرسیون گام به گام عوامل اصلی رجعت به بی‌سوادی

مدل	R	مجدور R	مجدور R تنظیم شده	خطای استاندارد	تغییرات آماری				
					تغییر R مجدور	F تغییر	df _۱	df _۲	
۸	۰/۵۳۴	۰/۲۸۵	۰/۲۶۷	۳/۰۲۱	۰/۰۱۳	۵/۵۴	۱	۳۱۲	۰/۰۱۹

جدول (۳) نتایج تحلیل واریانس مدل رگرسیون را ارائه می‌کند. با توجه به اینکه مجدور R تنظیم شده در مدل هشتم (۰/۲۶۷) بیش از سایر مدل‌ها بوده و مجموع مجدورات خطای آن کمتر است، در نتیجه بیشترین توان پیش‌بینی رجعت به بی‌سوادی را داشته و مناسب‌ترین مدل است. در نتیجه برای مدل هشتم خواهیم داشت:

$$F_{(۸,۳۱۲)} = ۱۵/۵۶۷, P < ۰/۰۰۱, ۰/۲۶۷ = \text{مجدور آر تنظیم شده}$$

جدول ۳: تحلیل واریانس مدل گام به گام عوامل اصلی رجعت به بی‌سوادی

مدل	مجموع مجدورات SS	درجه آزادی df	میانگین مجدورات MS	F	P
رگرسیون	۱۱۳۶/۳۸۲	۸	۱۴۲/۰۴۸	۱۵/۵۶۷	۰/۰۰۱
باقی‌مانده	۲۸۴۶/۹۵۲	۳۱۲	۹/۱۲۵		
کل	۳۹۸۳/۳۳۴	۳۲۰			

جدول (۴) اطلاعات در مورد متغیرهای پیش‌بینی که به ترتیب در مدل وارد شده‌اند را ارائه می‌دهد.

جدول ۴- ضرایب رگرسیون گام به گام عوامل اصلی رجعت به بی‌سوادی

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد	t	P
	B	خطای استاندارد			
۶ (ضریب ثابت) موافقت خانواده با سوادآموزی کیفیت برنامه‌های آموزشی وجود افراد باسواد در خانواده تعداد فرزندان	۱۴/۷۶۷	۱/۶۴۴		۸/۹۸۳	۰/۰۰۱
	-۰/۳۹۰	۰/۱۵۱	-۰/۱۳۲	-۲/۵۸۴	۰/۰۱۰
	-۰/۵۲۲	۰/۱۳۵	-۰/۱۸۸	-۳/۸۷۶	۰/۰۰۱
	-۰/۶۴۴	۰/۱۲۶	۰/۲۸۹	-۵/۱۲۰	۰/۰۰۱
	۰/۴۹۵	۰/۱۲۳	۰/۲۲۴	۴/۰۰۶	۰/۰۰۱
	۰/۳۲۶	۰/۱۲۵	۰/۱۳۴	۲/۶۱۹	۰/۰۰۹
	-۰/۵۴۴	۰/۱۵۲	-۰/۱۷۲	-۳/۵۷۶	۰/۰۰۱
	-۰/۰۸۰	۰/۰۲۷	-۰/۱۴۶	-۲/۹۱۸	۰/۰۰۴

۰/۰۱۹	۲/۳۵۴	۰/۱۱۸	۰/۱۳۳	۰/۳۱۳	مسئولیت خانه‌داری (زنان) درآمد ماهیانه خانواده انگیزش پیشرفت باروری (زنان)
-------	-------	-------	-------	-------	--

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصله از پژوهش، نشان داد که میزان بازگشت به بی‌سوادی در حدود ۳۶ درصد بوده است. بیشترین میزان رجعت به ترتیب در ریاضی (۴۱/۲۳ درصد)، نوشتن (۳۳/۲۸ درصد) و خواندن (۳۳/۱۳ درصد) بوده است. یافته‌ها، الگوی خاصی از عوامل مرتبط و پیش‌بینی‌کننده‌ی رجعت به بی‌سوادی را به دست داد. اینک به بررسی و تحلیل دقیق‌تر هر یک از این عوامل می‌پردازیم. **عوامل اجتماعی اقتصادی فرهنگی**. اولین متغیر مرتبط با این حوزه، نگرش خانواده نسبت به سواد و موافقت آنها با سوادآموزی است که بر اساس نتایج حاصله از تحقیق، یکی از اصلی‌ترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده‌ی رجعت به بی‌سوادی بوده است. در تبیین این یافته می‌توان گفت با توجه به اینکه بخش اصلی سوادآموزان در ایران، زنان بازمانده از تحصیلی هستند که به دلیل مناسبات خانوادگی مردسالارانه سنتی، به ویژه در اقشار فرودست جامعه، امکان تصمیم‌گیری و عمل مستقل بدون موافقت پدر یا همسر خویش را ندارند، لذا نگرش منفی مرد خانواده (پدر یا همسر) نسبت به سواد و مخالفت وی با سوادآموزی را به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع سوادآموزی و تکمیل سواد تبدیل نموده است. وجود افراد باسواد در خانواده، دیگر متغیر اجتماعی است که نقش معکوس پر رنگی در رجعت به بی‌سوادی داشته است. در واقع، به نظر می‌رسد حضور بستگان با سواد، موجب ایجاد یک جوّ مثبت در خانواده شده و زمینه‌های انگیزشی و کشش به سمت سوادآموزی و ادامه‌ی آن را فراهم می‌کند و در نتیجه به عنوان یک عامل نیرومند در ممانعت از رجعت به بی‌سوادی عمل می‌کند. متغیرهای تعدّد فرزندان، باروری و مسئولیت خانه‌داری زنان، از دیگر عوامل معنادار پیش‌بینی‌کننده‌ی رجعت به بی‌سوادی هستند.

بالطبع، این عوامل موجب می‌گردند تا بخش اعظم اوقات زنان نوسواد، به انجام این امور سپری گردد، به ویژه اگر همراه با این مسئولیت‌ها، در تأمین معاش خانواده و مسئولیت‌های دیگر در خانواده، نقشی ایفا کنند، طبیعی است خستگی حاصل از کار و فشار زندگی، انگیزه و رمقی برای شرکت طولانی مدت در برنامه‌های تکمیل و تحکیم سواد باقی نمی‌گذارد. آخرین متغیر اجتماعی اقتصادی که از پیش‌بینی‌کننده‌های رجعت به بی‌سوادی است، وضعیت اقتصادی و درآمد خانواده است. رجعت‌کنندگان به بی‌سوادی بیشتر از خانواده‌های با درآمد کمتر بوده‌اند. این یافته را اینگونه می‌توان تبیین نمود که فقر اقتصادی، اولاً، موجب می‌گردد فرد به دلیل نیاز به کار بیشتر برای تأمین نیازهای زیستی اولیه، زمان کافی برای تحصیل و تکمیل سواد نداشته؛ ثانیاً، با شرکت در دوره‌ی مقدماتی به این باور نرسیده است که سواد می‌تواند تأثیری در تغییر زندگی فلاکت‌بار او ایفا نماید؛ و ثالثاً، بودن در وضعیت اضطرار، زمینه‌ی فرهنگی لازم جهت ایجاد نگرش مثبت و انگیزه‌ی

عوامل پیش‌بینی کننده رجعت به بی‌سوادی در سوادآمختگان دوره سوادآموزی

سوادآموزی را فراهم نموده است. کیفیت برنامه‌های آموزشی. این متغیر، عواملی از قبیل امکانات فیزیکی کلاس و مدرسه، قابل فهم بودن کتاب‌های درسی برای سوادآموزان، کاربردی بودن مطالب درسی، فراهم بودن کتاب‌ها و سایر منابع آموزشی، استفاده بهینه از زمان آموزشی، حضور به موقع معلم در کلاس و سایر امکانات مرتبط به این حوزه را در برمی‌گیرد. نقص و کمبود در این زمینه، در رجعت به بی‌سوادی نقش پررنگی داشته و یکی از عوامل اصلی رجعت بوده است.

محتوایی که در آموزش بزرگسالان مورد استفاده قرار می‌گیرد تاثیر زیادی در یادگیری افراد دارد. بزرگسالان محتوا و مطالبی را که خوشایند و قانع کننده باشد می‌پذیرند و از یادگیری مطالبی که به نحوی موجب نارضایتی آنان شود خودداری می‌کنند. از طرفی، چنانچه بزرگسالان در جریان آموختن نقش فعالی داشته باشند، یادگیری شکل موثرتری پیدا می‌کند. این امر مستلزم آن است که در تدریس استفاده از روش‌های غیر فعال (مثل سخنرانی‌های طولانی مدت و حفظ کردن) ترک شود. در گذشته یکی از موانعی که معمولاً بر سر راه یادگیری و پیشرفت آموزشی بزرگسالان قرار داشت غیرقابل انعطاف بودن زمان برنامه دروس بود. ولی اکنون در اغلب کشورها به این نکته توجه کرده‌اند که سرعت و زمان یادگیری باید در حد توانایی و امکانات بزرگسالان باشد. قابل انعطاف بودن زمان یادگیری یکی از اصول اساسی برنامه‌های آموزش بزرگسالان است، زیرا شرکت‌کنندگان در کلاس‌ها باید بتوانند به رغم مسؤولیتها و مشاغل مختلفی که دارند به سهولت و آزادانه از فرصتی که فراهم آمده به سهولت و آزادانه، استفاده نمایند.

انگیزش پیشرفت. مهم‌ترین عامل فردی که در رجعت به بی‌سوادی نقش داشته، پایین بودن سطح انگیزش پیشرفت سوادآمختگان رجعت کننده به بی‌سوادی بوده است. این یافته نشان می‌دهد که برای ممانعت از رجعت به بی‌سوادی باید راهکارهای مناسب در راستای حفظ و ارتقای انگیزه‌ی سوادآموزان را به کار گرفت. به نظر می‌رسد هنوز در بی‌سوادان این باور بوجود نیامده است که بی‌سوادی چه نقیصه بزرگی است و تا چه میزان در عدم در پیشرفت جامعه تاثیر دارد و باعث مشکلات عدیده برای خود و خانواده آنها خواهد شد. یافته‌های حاصل از این پژوهش با بخشی از نتایج پژوهش‌های قبلی از جمله بورگس (۱۹۸۴)، اصلانیان و بریکل (۱۹۸۶)، مک‌گیونی (۱۹۹۰)، لاسوی (۱۹۹۲) و می‌ریز (۱۹۹۶) در خارج از کشور و پژوهش‌های صورت گرفته در داخل کشور از جمله ایزدی و رضایی (۲۰۱۲)، امینی خوئی (۱۳۸۳)، مهنایی و رفیعی (۱۳۷۸)، معینی کیا و قرداشخانه (۱۳۸۳)، اسکندری‌پور و احمدی (۱۳۸۴)، کارگر و سید مصطفایی (۱۳۸۴) نادری و کریمی (۱۳۸۳) امیرحسینی و فقیهی (۱۳۸۸) همسو بوده و با یافته‌های پژوهش‌های خیرخواه (۱۳۸۳)، عسگری و قنبری (۱۳۸۴)، رخشان و کروسی (۱۳۸۳)، رضایی و نقدی (۱۳۸۴) همسو نیست. به نظر می‌رسد علت اصلی این ناهمخوانی به دلیل نگاه منفک و بررسی مجزای متغیرهای مرتبط با بی‌سوادی در پژوهش‌های پیشین باشد. براساس نتایج تحقیق می‌توان به این نتیجه رسید که رجعت به بی‌سوادی در سوادآمختگان دوره‌ی مقدماتی پدیده‌ای چند وجهی است که مهم‌ترین وجه آن عوامل اجتماعی را در بر می‌گیرد. به ویژه نقش خانواده در این زمینه بسیار پر رنگ بوده که در تعامل با عامل اقتصادی و موانع و محرومیت‌های مضاعف زنان تأثیر بسزایی در این زمینه ایفا می‌کنند. سایر وجوه مؤثر در رجعت به بی‌سوادی شامل کیفیت برنامه‌های آموزشی و انگیزش پیشرفت نوسوادان بوده است.

در راستای یافته‌های پژوهش پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌گردد. ۱- برگزاری کلاس‌های توجیهی برای سوادآموزان و خانواده آنها پیش از شروع آموزش محتوای درسی: بر اساس یافته‌های پژوهش یکی از عواملی که در رجعت به بیسوادی نقش مؤثری ایفا می‌کند مخالفت خانواده با تحصیل سوادآموز است. این مخالفت‌ها در خانواده‌هایی که تعداد افراد با سواد آنها کمتر است بیشتر می‌شود. این نشان می‌دهد که برای سواددار کردن بی‌سوادان بایستی علاوه بر خود آنها، موافقت و رضایت خانواده‌های آنان به ویژه پدران و شوهران را جلب نمود. آنها باید به ضرورت سواد در دنیای امروز پی برده و به آن اعتقاد پیدا کنند، در غیر این صورت احتمال رجعت به بی‌سوادی و به هدر رفتن تلاش‌های انجام گرفته افزایش می‌یابد. ۲- توجه بیشتر به امر فرهنگ سازی در زمینه‌ی اهمیت و نقش سواد در خانواده‌ها با استفاده از امکانات و وسایل ارتباط جمعی از جمله رسانه‌ی ملی، مساجد و سایر رسانه‌ها. ۳- اهتمام به ارتقای کیفیت برنامه‌های آموزشی و تطبیق بیشتر محتوای برنامه‌ها با نیازهای سوادآموزان و همچنین استفاده از روش‌های تدریس فعال و کارآمد. ۴- رجعت به بیسوادی در متاهلین و والدینی که تعداد فرزندشان زیاد است بیشتر است. بنابراین توجه به برنامه‌های تحکیم سواد در این قشر بایستی با دقت بیشتری انجام شود. همچنین برنامه درسی برای این افراد بهتر است به شکل متفاوتی تنظیم شود به طوری که با وقت و سایر امور و وظایف این افراد سازگار باشد. ۵- بی‌سوادان مسن نیاز به برنامه‌ریزی آموزشی ویژه خود دارند. چرا که نیازهای آنان متفاوت از سایر سوادآموزان است. همچنین سبک، روش و سرعت یادگیری این افراد بایستی در روش تدریس آموزشیاران مورد توجه باشد. ۶- استفاده از تشویق‌های مالی و کمک‌های اقتصادی برای سوادآموزانی که از سطح درآمد پایینی برخوردارند. ابزارهای تشویقی بایستی به شکل نظام‌مند و بر اساس میزان تلاش و فعالیت که فرد برای افزایش یادگیری خود و خانواده‌اش انجام می‌دهد به کار گرفته شوند. ۷- برگزاری کارگاه‌های دانش‌افزایی و مهارت‌آموزی برای آموزشیاران و معلمین به منظور یادگیری و تمرین روش‌های نوین آموزش و ارزشیابی. ۸- تشویق هر چه بیشتر با سوادان در مدارس، روستاها و مناطق دور افتاده به ترغیب سوادآموزان خانواده‌هایشان به تکمیل و تحکیم سواد. ۹- توجه بیشتر به نیازهای زنان بازمانده از تحصیل و بررسی راهکارهای عملی در زمینه‌ی کاهش باروری و تنظیم خانواده در روستاها و مناطق حاشیه‌ی شهرها.

منابع

اسکندری پور، شهرام و احمدی، انوشیروان (۱۳۸۴). مقایسه تاثیر یادگیری مشارکتی با یادگیری سنتی بر پیشرفت تحصیلی مهارت‌های اجتماعی و خودکارآمدی سوادآموزان پایه های تکمیلی و پایانی نهضت سوادآموزی استان زنجان. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.
امانی، مهدی (۱۳۷۸). موفقیت در سوادآموزی بزرگسالان، در ایران: بعد از انقلاب اسلامی (برخی جنبه های جمعیت شناختی). مجله نامه علوم اجتماعی، پاییز و زمستان ۱۳۷۸ (۱۴)، ۲۱-۳۶.

عوامل پیش‌بینی کننده رجعت به بی‌سوادی در سوادآموختگان دوره سوادآموزی

امیرحسینی، خسرو و فقیهی، علیرضا (۱۳۸۸). مقایسه مکان‌های تشکیل کلاس سوادآموزی بر جذب و نگهداری سوادآموزان استان مرکزی در نیمه اول سال ۱۳۸۷. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.

امینی خوئی، ناصر (۱۳۸۳). بررسی روش‌های مؤثر در ایجاد انگیزه مطالعه پس از کلاس درس در سوادآموزان دوره مقدماتی استان بوشهر. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی. برنامه پنج ساله سوادآموزی جمهوری اسلامی ایران (باسوادی گروه سنی ۱۰ الی ۴۹ سال در برنامه پنجم توسعه). وزارت آموزش و پرورش، سازمان نهضت سوادآموزی. اسفند ماه ۱۳۸۹.

پناهی، رضا و انوری، صدور (۱۳۸۵). بررسی علل افت تحصیلی سوادآموزان از دیدگاه کارکنان نهضت سوادآموزی استان اردبیل. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.

ثاتی، محمد عنایت و تیموری، نجیب (۱۳۷۸). بررسی دلایل عدم حضور بی سوادان باقیمانده استان گلستان در کلاس های سوادآموزی. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.

خیرخواه، آرش (۱۳۸۳). بررسی عوامل مؤثر در عدم تمایل معلمان و مدیران مدارس ابتدایی جهت همکاری در فعالیتهای نهضت سوادآموزی استان قزوین. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.

رجایی پور، سعید. و اکبری عمروآبادی، احمد رضا. (۱۳۸۶). بررسی نیازهای مطالعاتی نو سوادان شهری و روستایی نهضت سوادآموزی. دانش و رفتار، ۱۴، (۲۴)، ۶۵-۸۰.

رخشان، فریدون و کروس، میرتقی (۱۳۸۳). ارزیابی میزان موفقیت تداوم آموزش در جلوگیری از رجعت به بی‌سوادی فراگیران استان آذربایجان شرقی. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.

رضاخانی، زهرا و ابراهیمیان کیاشری، علی (۱۳۸۷). بررسی میزان اثربخشی اقدام پژوهی آموزشیاران در کاهش مشکلات یاددهی - یادگیری مخاطبان. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.

رضایی، میترا و نقدی، علی اصغر (۱۳۸۴). بررسی عوامل و امکانات مؤثر در تسریع ریشه کنی بیسوادی استان کرمانشاه از دیدگاه گروههای مرتبط با نهضت سوادآموزی در سال ۸۴-۸۳ (جلد ۱ و ۲). تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.

رفعتی نیا، رضا و قرایی مقدم، امان الله. (۱۳۷۶). بررسی عوامل افت آموزشی سوادآموزان دوره مقدماتی نهضت سوادآموزی شهرستان ساوه. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.

زمینی، سهیلا؛ حسینی نسب، سید داوود و هاشمی، تورج. (۱۳۸۶). اثربخشی آموزش راهبردهای برنامه ریزی عصبی - کلامی بر انگیزش پیشرفت و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان. فصل‌نامه‌ی پژوهش در سلامت روان شناختی، ۳، ۵۹-

صاحب زاده، بهروز و اختیاری صادق، مهرداد (۱۳۸۴). بررسی راه‌های ریشه‌کنی بی‌سوادی در یکصد روستای استان سیستان و بلوچستان. تهران: دفتر برنامه‌ریزی و مشارکتهای بین‌بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.

عابدی، لطف‌علی (۱۳۷۰). بررسی راه‌های متناسب‌سازی برنامه سوادآموزی با نیازها و شرایط سوادآموزان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه اصفهان، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.

عسگری، اردشیر و قنبری، سیروس (۱۳۸۴). بررسی عوامل موثر در جذب افراد زیر ۴۰ سال بازمانده از تحصیل در استان همدان. تهران: دفتر برنامه‌ریزی و مشارکتهای بین‌بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.

فتاحی، رحمت‌الله (۱۳۷۱). طرحی برای حفظ تداوم سوادآموزی و جلوگیری از بازگشت به بیسوادی. فصلنامه پیام کتابخانه. ۱.

کارگر، نادر و سید مصطفایی، علی (۱۳۸۴). بررسی علل بازماندگی از تحصیل در میان افراد زیر ۴۰ سال و عوامل مؤثر بر جذب آنان در استان آذربایجان غربی. تهران: دفتر برنامه‌ریزی و مشارکتهای بین‌بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.

محمد قلی‌نیا، جواد (۱۳۸۳). بررسی راه‌های ایجاد انگیزه مطالعه بعد از کلاس در سوادآموزان دوره مقدماتی شهرستانهای استان. تهران: دفتر برنامه‌ریزی و مشارکتهای بین‌بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.

مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران مهر (۱۳۸۴). ارزیابی اثربخشی برنامه آموزشی مشترک سازمان نهضت سوادآموزی و سازمان جنگلها و مراتع از دیدگاه مجریان (آموزش‌دهندگان). تهران: دفتر برنامه‌ریزی و مشارکتهای بین‌بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.

معمودی، عبدالله (۱۳۸۳). بررسی میزان کارایی راهنمایان تعلیماتی در ارتقاء کیفیت آموزشی کلاسهای نهضت سوادآموزی استان چهارمحال و بختیاری. تهران: دفتر برنامه‌ریزی و مشارکتهای بین‌بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.

معینی‌کیا، مهدی و قردا شخانه، سید حسین (۱۳۸۳). بررسی علل افت تحصیلی سوادآموزان استان اردبیل در درس املاء. تهران: دفتر برنامه‌ریزی و مشارکتهای بین‌بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.

موسسه فرهنگی و هنری جمال هدایت (۱۳۸۴). بررسی علل کم‌رغبتی بی‌سوادان (زیر ۴۰ سال) باقیمانده استان ایلام به شرکت در کلاسهای سوادآموزی. تهران: دفتر برنامه‌ریزی و مشارکتهای بین‌بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.

منصورکیایی، ساسان و سرمد، غلامعلی (۱۳۸۴). بررسی وضعیت دوره‌های کارآموزی آموزشیاریان پس از اجرای طرح تجمیع. تهران: دفتر برنامه‌ریزی و مشارکتهای بین‌بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.

مهنائی، سید محمد قاسم و رفیعی، سید نصیب‌الله (۱۳۷۸). بررسی علل ترک تحصیل سوادآموزان پنجم بزرگسالان استان کهگیلویه و بویراحمد. تهران: دفتر برنامه‌ریزی و مشارکتهای بین‌بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.

عوامل پیش‌بینی کننده رجعت به بی‌سوادی در سوادآمختگان دوره سوادآموزی

میرحسینی، زهره و دوستدار، یحیی (۱۳۷۷). بررسی نیازها و علائق مطالعاتی نوسوادان (جلد ۱ و ۲). پایان‌نامه دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشکده علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی. دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.

نادری، نادر و کریمی، علی‌حسن (۱۳۸۳). ارزیابی میزان موفقیت طرح تداوم آموزش در جلوگیری از رجعت به بی‌سوادی فراگیران استان کرمانشاه. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.

Aslanian, C.B., Brickell, H.M. (1980). *Americans in transition: Life changes as reasons for adult Learning*. New York: College Entrance Examination Board.

Burgess, R.G. (1984). *In the Field: An Introduction to Field Research*. London: Unwin Hyman.

Forlizzi, L. (1990) An Assessment of the Educational Need and Interests of Older Low-Literate Adults. *Adult Literacy and Basic Education, V. 14, 3. P: 204*.

Krejcie, R. V. & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational Psychological Measurement, 40, 670-610*.

Lasway, Rest, B.P. (1992). *Barriers to participation of New Literate Adults in the- Literacy Proframme in Tanzania*. Toronto: University of Toronto. P: 346.

Mc Givney. U. (1990) *Access to Education for Non- Participant Adychts Leicester NIACE*.

Meyers. Clifford. T. (1996) *A Vehicle for Development: Theory and practice in case Studies in Nepal*. Massachusetts: University of Massachusetts.

Rezaii, A., & Izadi, S. (2012). The Social Causes of Illiteracy in Iran. *Procedia, Social and Behavioral Sciences, 46, 5631-5634*.

Roberts, J. A. (1998). Compulsive buying among college students: An investigation of its antecedents, consequences, and implications for public policy. *Journal of Consumer Affairs, 32, 2*.

Rosenberg, Morris. (1986). *Conceiving the Self*. Krieger: Maabar, FL, from <http://www.bsos.umd.edu/socy/rosenberg.htm>.

Predictive factors Returning to Illiteracy in Education Graduates of Literacy Course

Rasool Kordnoghi^۱, Shahriar Moradi^۲, Arezou Delfan Beiranvan^۳

Abstract

The purpose of this study was to investigate the predictive factors of returning to illiteracy in education graduates of literacy course. The population of the study included all illiteracy graduates in the country. Using multi-level cluster sampling, 486 participants were chosen and studied. The instruments of the study included self- researcher's scale of educational achievement, special self- researcher's questionnaire of novice literates, Herman's Achievement Motivation Scale Questionnaire (HAMQ), and Rosenberg self-confidence scale. To analyze the data, regression analysis was used. The results indicated that variables of family agreement with literacy, educational programs' quality, the presence of educated individuals in the family, family's monthly income and achievement motivation negatively; and number of children, women's responsibility of housekeeping and fertility positively predicted the main factors of returning to illiteracy in education graduates of literacy course and its equivalent (R -squared adjusted = .۲۶۷, Δ . ۱۰۰۱, $F=15/567$). The results of the study indicated that Social – economic and cultural factors have the most important role in the rate of novice literates' return to illiteracy and factors related to the quality of educational programs and motivation have been subsequent predictors of return to illiteracy.

Keyword: Returning to Illiteracy, Literacy, Novice Literates, socio-economic and cultural factors, motivation, and self-confidence.

^۱- Department of Psychology (Associate professor), Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. Email: rkordnoghi@gmail.com

^۲- PH. D in Educational Psychology, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

^۳- Master of Art in Educational Psychology, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran